

ظروف گلی لعاب دار گرگان

بقلم آقای عیسی بهنام
دانشیار دانشکده ادبیات

در سال ۲۲۴ هجری هارون الرشید خلیفه مقتدر عباسی که اطمینانی بامنیت شهر بغداد نداشت مقر اقامت خود را از آن شهر بسامره، در حدود یکصد کیلومتر در شمال بغداد، انتقال داد و تا سال ۲۷۶ هجری سامره مقر حکمرانی هفت خلیفه از خلفای عباسی گردید. خلفای مزبور در سامره ابنیه بسیار برپا کردند، که آنچه امروز آن باقی مانده تنها خرابه‌های مسجد جامع این شهر، بامنازه آن، و باقی مانده‌های مسجد ابودلف میباشد.

از بغداد قدیم، شهر هزارویک شب، شهریکه بگفته‌عموم نویسندگان قدیم در زمان خود عروس جهان بوده، امروز کوچکترین اثری باقی نمانده. فقدان کمترین اطلاع از پایتخت مشهور «هارون» باعث تأسف بی‌پایان باستان‌شناسان گردید، و از این حیث بغداد قدیم به اکباتان، پایتخت سلاطین «ماد»، و هکانومپلیس، مقر سلطنت اشکانیان، و بلخ، قدیمترین شهر بزرگ آریائی، شباهت پیدا میکند. در دست نداشتن اطلاعاتی از شهر بغداد قدیم تمام نقشه‌های باستان‌شناسان را برهم زده و در مورد مطالعه آثار اسلامی، خصوصاً ظروف لعابدار، آنها را دچار اشتباهات بزرگی نموده است.

در حقیقت در هیچ دوره‌ای از تاریخ چین رسم نبوده، که ظرف گلی یا فلزی را که برای مصرف معمولی هر روز است تاریخ بگذارند. (استثناء تعدادی از ظروف اسلامی تاریخ دارد و نام‌سازنده آن نیز ذکر شده، و در این صورت واضح است که چنین ظرفی را در زمان خود بمنزله شاهکار هنری محسوب مینموده‌اند). معین نبودن تاریخ قطعی ظروف سفالین باعث شده که محققین برای تعیین تاریخ این ظروف در میان تعداد بیشماری ظروف، که از نقاط مختلف کشورهای اسلامی بدست آمده، سرگردان بمانند. معمولاً ظروف سفالین از حفاری‌های علمی بدست می‌آید و غالب ظروف لعابداری که امروز در موزه‌های امریکا و اروپا به معرض نمایش قرار داده شده از راه‌های

غیر معمولی باین موزه‌ها رفته و بهمین دلیل باستان‌شناسان نتوانسته‌اند روی آنها تاریخ قطعی و صحیحی بگذارند. فقط در چند مورد، در نتیجه حفاریهای علمی ظروفی بدست آمده، و این پیدایش از راه علمی و طبیعی باعث پیشرفت بزرگی در طبقه‌بندی و تاریخ‌گذاری ظروف سفالی اسلامی گردیده است. یکی از این موارد حفاریهای سامره است که بوسیله باستان‌شناسان آلمانی صورت گرفته، و آقایان هرتسفلد و زاره، با استفاده از اطلاعات ذی‌قیمتی که راجع بتاریخ و تمدن مشرق داشتند، ظروف مکشوفه در سامره را به بهترین نحوی مطالعه نمودند، و نتیجه مطالعات آنها این شد که متخصصین صنایع اسلامی برای اولین بار توانستند به نقطه نابتی تکیه کرده، در تاریکی ایام گذشته قدم بگذارند.



مسجد جامع سامره - عکس از سفارت کبرای عراق

اهمیت کاوشهای سامره بیشتر در این است که تاریخ تاسیس این شهر و تاریخ انقراض آن کاملاً معین و مشخص می‌باشد و بین این دو تاریخ بیش از نیم قرن فاصله نیست بنابراین مجموع اشیائی که در آن کشف شده متعلق بزمان واقع بین ۲۲۴ و ۲۷۶ هجری است.

روزی که نتیجه کاشهای سامره منتشر گردید، موزه‌ها و کلکسیونرها ظروف اسلامی خود را با مقایسه و تطبیق با ظروف مکشوفه در سامره طبقه بندی کردند. ولی تمام ظروف سفالین اسلامی قابل مقایسه با ظروف سامره نبود، و فقط عده معدودی از آنها را توانستند با اطمینان خاطر به دوره یا تاریخ بخصوصی نسبت دهند.

در سامره ظروف سفالین زرین فام نیز پیدا شده بود، و هر تسفلد اصرار ورزید که سامره مرکز ساخت ظروف زرین فام بوده است. ضمناً تعدادی ظروف چینی بدست آمد و با مدارک کتبی متعلق بزمان هارون الرشید این مطلب ثابت شد که عملاً از کشور چین ظروف چینی پایتخت خلفای عباسی حمل می‌شده.

پس از سامره مهمترین حفاریهای علمی که راجع بظروف اسلامی بعمل آمد



تنگ گلی لعاب دار - پیدا شده در گرگان ...
موزه ایران باستان

حفاریهای هیئت موزه متروپولیتن نیویورک در نیشابور بود، که قبل از جنگ اخیر، به سرپرستی آقای اوپتن در آن شهر انجام گرفت و نتایج بسیار خوب داد. حفاریهای نیشابور از نظر تعداد ظروف مکشوفه و جنس آن، نه تنها باعث تکمیل اطلاعات حاصله در سامره گردید، بلکه بخودی خود اطلاعات بسیار مفیدی، بخصوص از نظر وضع هنر ایران در اوایل دوره اسلامی، در اختیار ما گذاشت.



هدهد - گل بخته لعاب دار زرین فام- پیدا شده در گرگان - موزه ایران باستان
 با مطالعه تاریخ و ادبیات ایران معلوم شده بود که در اوایل دوره اسلامی ایرانیان

کوشش داشتند مجدداً هنر و صنایع و ادبیات و تمدن قدیم خود را احیا نمایند، و همواره ایام گذشته را، با وجود مصائبی که هنوز از یادشان نرفته بود، بهترین دوره تاریخ خود میدانستند. حتی خود اعراب پس از فتح ایران بتاریخ ایران و ذکر افتخارات سلاطین ساسانی توجه داشتند، و نویسندگانی مانند جاحظ رسوم قدیم سلاطین ساسانی را تدوین مینمودند، تا خلفای عرب عادات و رسوم خود را با آن تطبیق دهند. هنوز از شکست ایران چندی نگذشته بود که فردوسی دست بنظم شاهنامه جاویدان خود زد.



تنگ کلی لعاب دار - پیدا شده در گرگان
موزه ایران باستان

خلفای عباسی پایتخت خود را در کنار تیسفون مقرر شاهنشاهان ایران قرار داده بودند، و قدرت مادی و معنوی را در دست داشتند. نیشابور تیسفون نانی شد. مأمون در مقابل خدمتی که طاهر بن الحسین، سردار معروف ایرانی نژاد، باو

کرده بود، حکومت خراسان را بوی واگذار کرد. طاهر پس از اینکه امنیت لازم را در خراسان بوجود آورد، از اطاعت خلیفه عباسی بیرون آمد، و پس از مرگ وی خلفای بغداد ناچار شدند امارت خراسان را برای فرزندان طاهر برسمیت بشناسند. باین طریق خراسان پناه گاه ملیون ایران گردید، و هنرمندان و نویسندگان ایران بسوی پایتخت آن نیشاپور، هجوم آوردند و در مدت کمی شهر نیشاپور شهرت فوق العاده یافت. بنابراین عجیب نیست که در موزه ایران باستان، و در موزه های دیگر دنیا، ظروف



تفک گلی لعابدار دو بوسته صورت هدهد پیدا شده در گرگان

موزه ایران باستان

کلی لعابدان نیشاپور بلافاصله بعد از دوره با عظمت ساسانی معرف ذوق و سلیقه نیاکان ما باشد.

حفاریهای امریکاییها در نیشاپور اولین حفاری علمی صحیحی است که برای بدست آوردن اطلاعاتی از دوره اسلامی ایران انجام گرفته است. در آنجا کاخی از زمان اسلامی پیدا کردند که بر دیوارهای آن مناظری بسبب عهد ساسانی نقش شده بود، و خصوصاً ظروفی بدست آمد، که نشان داد تا چه اندازه این شهر آباد شده و ترقی کرده بود.



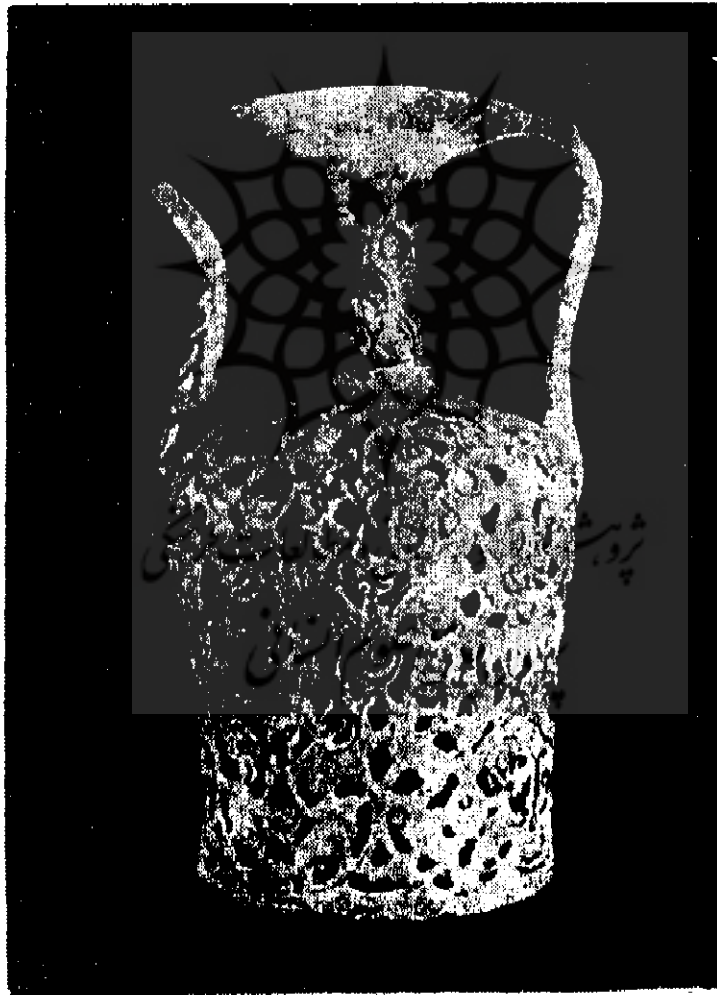
پژوهش علوم انسانی و مطالعات زبانی
رتال جامع علوم انسانی

عوسوز بر نزی پیدا شده در گرگان
موزه ایران باستان

مطالعه ظروف نیشاپور محتاج بحث مفصلی است که در این مقاله نمیگنجد، و منظور ما از یادآوری آن در این صفحات این بود که این مطلب را روشن نمائیم، که نیشاپور نیز مانند سامره، یکی از نقاط نادری است که در نتیجه حفاریهای علمی ظروفی در اختیار ما گذاشته، که میتوان بطور قطع تاریخی برای آن معین کرد، و باین طریق راه را برای مطالعه ظروف سفالین دوره اسلامی باز کرد.

ظرف سفالین زیبایی گرگان در نتیجه حفاری علمی بدست نیامده ولی بدلیل دیگری نه تنها از نظر نتیجه مفیدی که از آن عاید شده بابتشرفین حفاریها ابرای میکند، بلکه بعلمت خاصی بر آنها نیز مزیت دارد. ظروف گرگان از این حیث بظروف سامره شباهت دارد که مانند آن متعلق بدوره مشخص و معینی است. توضیح مطلب از این قرار است:

در سال ۶۱۷ هجری واقعه مهمی در مشرق زمین روی داده بود که خیال همه را پریشان ساخت. لشکریان مغول شهر سمرقند و بخارا را پس از غارت، طعمه آتش ساخته بودند. سدها هزار نفر بصورت فجیعی بقتل رسیده بودند، و شاهکارهای بزرگ ساختمانی



تنک دوپسته پیدا شده در گرگان

موزه ایران باستان

مبدل بوزانسه هائی گشته بود. بعد از سمرقند، اورگنچ یا گرگانج، پسابخت

خوارزم، بروز سمرقند و بخارا افتاد، و با اینحال هنوز فقط خونریزی‌ها و قتل و غارت‌ها در مراحل اولیه خود بود و خشم چنگیز فرونشسته بود. چنگیز توهینی را که دو سال قبل با قتل سفیر و فرستاده‌اش بدر بار خوارزم بر او وارد آمده بود فراموش نمی‌کرد. وی گفته بود هر جا محمد (خوارزمشاه) قدم گذارد آن سرزمین را با خاک یکسان خواهم کرد. سلطان محمد چاره‌ای جز فرار نداشت. ابتدا بخراسان رفت و به شهر نیشاپور پناه جست. سپس به ری، و بعد از آن برشت و قزوین و همدان رفته، مجدداً بسواحل دریای خزر برگشت، و بگرگان پناه برد.

این واقعه در سال ۶۱۸ اتفاق افتاد. شهر گرگان در زمان آل زیار در قرن چهارم و پنجم هجری بصورت شهر زیبایی در آمده بود و در قرن ششم در نتیجه حمله ترکان غز به حال ویرانی افتاد ولی بادر نظر گرفتن اعداد زیاد و زیبایی اشیاء نفیسی که از آن بدست آمده، باید تصور کرد که بزودی خرابیهای خود را تعمیر و جبران کرده، رو به آبادی و ترقی می‌رفت.



شقاب گلی لعابدار زرین قام پیدا شده در گرگان
موره ایران باستان

مهاجرین و فراریانی که از طرف مشرق میآمدند فجایع و خونریزی های لشکریان مغول را برای مردم نقل میکردند، و مردم را در حال وحشت غریبی میانداختند. و باین وصف بعلت اقامت سلطان محمد در آن حوالی، ویرانی تمام آن سرزمین حتمی بنظر میرسید. بنابراین به آسانی میتوان حدس زد چگونه مردم این شهر باعجله تمام، دارائی خود را جمع کرده در گوشه‌هایی پنهان کردند، و خود بطرف مغرب رهسپار گردیدند. همراه بردن ظروف چینی لعاب دار کار آسانی نبود، لذا مردم گرگان همان کاری را کردند که مردم بلخ چند قرن قبل از این کرده بودند. ظروف سفالین خود را با بعضی اشیاء دیگر در خمره‌هایی ریخته، آنرا زیر خاک پنهان نمودند. گویا اکنون نیز در همین نواحی قبایلی که ییلاق و قشلاق میکنند همین عمل را انجام میدهند و هنگام مسافرت بنواحی دیگر اشیاء غیر قابل حمل را زیر خاک پنهان میکنند، و هنگام مراجعت مجدداً آنرا بیرون میآورند. احتمال دارد که این بیچارگان دیگر بوطن خود برنگشتند، و این اشیاء در زیر خاک صحرا پنهان ماند، تا امروز اتفاقاً بدست ما افتاد.

باین عمل، مردم گرگان خدمت بزرگی بتاریخ ظروف سفالین اسلامی ایران نمودند، زیرا اگر چه تا کنون ظروفی از این قبل بدست ما رسیده بود، ولی اولاً تاریخ صحیح آنها معین نبود، ثانیاً معمولاً ظروف سالم بدست نمیآمد، و حال اینکه ظروفی که باین طریق بدست آمده کاملاً سالم است، بطوریکه از دیدن آنها انسان بشک میافتد که آیا واقعاً قدیمی است یا هم اکنون از زیر دست کوزه گر بیرون آمده است.

ولی اهمیت مطلب در جای دیگر است و آن اینکه این اشیاء همگی متعلق به پیش از از حمله لشکریان چنگیز بگرگان (۶۱۸) و بعد از خرابی وارده از طرف ترکان غز میباشد. در ناحیه گرگان اشیاء قدیم تر نیز یافته شده ولی با ظروف سفالین مخفی شده در زیر خاک ارتباطی ندارند.

ظروف گرگان را میتوان بچند دسته تقسیم کرد. عده‌ای از آنها شباهت بظروف زرین فام ری دارد. نقوش بعضی دیگر شبیه بنقوش ظروف کاشان است. دسته دیگری بالعاب آبی فیروزه‌ای یا لاجوردی پوشیده شده است، و عده دیگری مانند ظروف ساوه تزئیناتی بصورت برجسته دارد. دسته دیگری بسیار ظریف، و زمینه

آنها سفید است ، بطوریکه شباهت بظروف چینی پیدا میکنند . ظروف هفت رنگ مینائی بین آنها کم پیدا میشود .

آناری از کوره سفال پزی نشان میدهد که کار گاه‌های کوزه سازی در گرگان وجود داشته ، و میتوان احتمال داد که متخصصینی ازری و کاشان در این کار گاه‌ها کار میکرده‌اند . در مورد ظروف مینائی و ظروف مطلقاً بسبک ساوه ، که تعدادشان بسیار کم است ، و همچنین ظروف دیگری که بسبک ترکستان یا مازندران است ، احتمال می‌رود که از خارج باین محل آورده شده باشد .

ظروف گرگان بسبک مخصوصی ندارد که بتوان آنها را از ظروف دیگر ایران تمیز داد . اهمیت آنها فقط از این نظر است که بکلی دست نخورده و سالم‌اند و لعاب آنها نیز آسمینی ندیده است . تاریخ ساخت آنها تقریباً بین نیم قرن محدود است و از این حیث شباهت بظروف سامره پیدا میکنند .

در این خمره‌ها اشیاء دیگری نیز مانند عودسوز ، و شمعدان فلزی ، کار خراسان ، مقدار زیادی انگشتری ، و گوشواره پیدا شده . اینطور باید فکر کرد که بیچاره مردم گرگان هر چیز قیمتی که داشتند در زیر خاک پنهان کرده‌اند تا در ضمن فرار خود توجه کسی را جلب نکنند . ضمناً باید متوجه بود که در بین این ظروف هیچ اسلحه‌ای بدست نیامده ، و از این امر نیز میتوان نتیجه گرفت که اسلحه خود را برای احتیاط همراه برده بودند . اگر پارچه‌ای وجود داشته احتمالاً در نتیجه رطوبت زمین از بین رفته است .

بسیاری از ظروف گرگان فقط جنبه تزیینی و تجملی دارند . مثلاً بعضی از آنها بصورت پرندگان هستند که با کمال سلیقه و ظرافت رنگ و نگار یافته‌اند و لعاب آنها بسیار ظریف است ، و شکی نیست که در روی طاقچه یا بخاری مردم گرگان قرار داده میشده . بعضی از تنگ‌ها نیز بصورت پرندگان هستند و این امتیاز را دارند که دو پوسته ساخته شده‌اند . کاملاً معلوم است که برای ساختن آنها هنرمندان قابل‌ی زحمت زیاد کشیده و دقت بسیار بکار برده‌اند . ولی تنها وجود هنرمندان قابل برای بوجود آوردن چنین شاهکارهایی کافی نبود بلکه لازم بود که خریداران باسلیقه‌ای نیز وجود داشته باشند .

باید امید داشت که کشف ظروف گرگان آخرین پیدایشی از این قبیل نبوده باشد و در آتیه نمونه‌های دیگری از هنر سفال‌سازی ایران در اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم هجری، یعنی بلافاصله پیش از ورود مغول بایران، خواه در گرگان و خواه در نقاط دیگر ایران، بدست بیاوریم، و باینوسیله تاریخ ظروف سفالین ایران قبل از مغول را تکمیل نمائیم، و امید است این کار بالیاقتی که موزه ایران باستان تا کنون در این راه بخرج داده، در آتیه بنتایج بهتری برسد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی